

مهاو امسه ، حماسه بی پایان سر یلانکا

نوشته آناندا و. ب. گوروگه



سنت راسته راهی در کنار
شاهراهی، در اثر و ادای پورا
سر یلانکا، تصویر با بین، نقوش
بر چسبه در زیوارنگاهی در سانبی
(هندوستان) عابدانی و تصویر
می کند که گرداگرد درخت
بودی، جایی که برادرهای جانبدار
منور گردید، گرد آمده اند



پن دوازده سال گذشته گسروهی از مورخان و زیست‌شناسان سر یلانکا برای نوشتن تاریخ ملت خود به طور منظم جلساتی تشکیل داده‌اند. اقدام آنان از این لحاظ چشمگیر است که این تاریخ به شعر و به زبان پالی نوشته می‌شود؛ پالی یک زبان کهن هند و آریایی است که امروزه جز روحانیون بودایی و مسیحی کوچکی از محققان برجسته بین‌المللی کسی آن را به کار نمی‌برد. مورخان شعر حماسی ملی سر یلانکا، مهاو امسه یا داستان کبیره را که سی‌وهفت فصل نخست آن را یک راهب مسیحی بودایی به نام مهاو امه در قرن ششم میلادی در ۳۰۰ بیت به زبان پالی سروده است، تا عصر حاضر ادامه می‌دهند و در صدد تکمیل آن‌اند.

عاشقانه‌های مهاو امه را دست‌کم تا قرن چهارم قبل از میلاد می‌توان پی‌جویی کرد. آریایی‌هایی که از حوزه رودخانه‌های سند و گنگ در شبه‌قاره هندوستان به سر یلانکا مهاجرت کرده بودند دید تاریخی فرقی‌العاده دقیقی داشتند؛ آنها کارهای بزرگ و نجر به‌های خود را نه فقط به صورت قصیده یا داستانهای مردمی با الهی، بلکه به نحو منظم‌تری به صورت گزارشهای تاریخی ثبت می‌کردند و می‌کوشیدند از این طریق هویت ملی خود را در ابرام مقام ملتی جدید در سرزمینی جدید اثبات کنند.

راهبانی که شاهکارهای قهرمانان را نسبت می‌کردند

بدین ترتیب، تاریخ متوالی دست‌کم دو قرن ثبت گردید تا اینکه آمدن هودا در قرن سیم پیش از میلاد به سر یلانکا راه یافت. با



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی



طهور راهبان بودایی، سریلانکا از خدمات پیگیر وقایع نگاران
معتبر و حافظان سنت تاریخی‌اش اطمینان یافت.

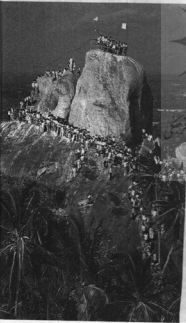
آیین بودا راهگشای چندین سده فعالیت ادبی جدی بود. در
حالی که تربیتکار، کتاب قوانین شرعی بودایی، به زبان پالی
حفظ شده است در شکل ادبی گنتارهای است که بودا به زبان
محلّی ادا کرده است)، تفسیرهایی که این قوانین را شرح و بسط
می‌دهد به زبان محلّی سینهای است. قسمتهای تاریخی، معروف
به سینهایه - آناکاته - مهاواسه («تاریخ کبیر تفسیر سینهایی»)،
دوره به دوره تکمیل می‌شد و وقایع بعدی را دربر می‌گرفت و
اطلاعات خود را از منابع متعددی اخذ می‌کرد؛ گزارشهای اولیه
از موج مهاجرتهای آریاییها، با مآبهای اساطیری؛ روایات دقیق
و احتمالاً مستند مربوط به رویدادهای تاریخ آیین بودا؛ اسناد
دستاوردهای مذهبی و غیر مذهبی به صورت ثبت اعمال
نیاسته‌ای که بنا به مصلحت مذهبی یا خیر و صلاح مردم انجام
می‌شد؛ مدایح و قصایدی که شاعران درباری و خنیاگران
دوره گرد برای سرگرمی درباریان یا تهنیت مردم می‌سرودند.

سریلانکا، همگام با سنت باستانی هند، سه دسته قهرمان را به
رسمیت می‌شناسد: دارمویره (قهرمانان در دستکاری) دانه‌ویره
(قهرمانان آزادمنشی) و بوداویره (قهرمانان جنگاوری). بسیاری
از قهرمانان هر دسته در تاریخ ایسن جزیره نامور بسرودند و
داستانهای مربوط به آنها به بخشی از میراث ادبی مبدل شده بود.
در قرن چهارم میلادی در شعر حماسی معروفی به نام
دیوارامسه («تاریخ جزیره»)، که شاعر آن ناشناخته است،
کوششی هرچند ناقص صورت گرفت تا تمام این اطلاعات را به
زبان پالی به نظم درآورد. نقایص دیوارامسه، شامل عدم فصاحت
دستوری، سبکی و زبانی ناشی از این امر بود که پالی هنوز به
زبان ادبی مبدل نشده و مسائل فنی مربوط به نحوه اقتباس از
منابع مختلف حل نشده بود. دو قرن بعد، مهاتامه بر این مشکلات
فاین آمد و مهاواسه او به بهترین شعر حماسی سریلانکا مبدل
گشت.

ارزش ادبی عمده مهاواسه در استفاده مؤثر آن از زبان
منظوم پالی برای نقل تاریخ ملت به شیوه‌ای مستقیم، بنا هدف
اعلام شده «بر انگیزش شور و سرود آرامش بخش پرهیزگاران»
نهفته است.

مهاواسه، صرف نظر از فصول مقدماتی آن در باره سنتها و
تاریخ آیین بودا، مرکب از سه حماسه در یک حماسه است؛
* فصول شش تا ده، حماسه روحیانه - پانده‌گا با به درباره
پنجاهگداری و شکمب - سلطنت سینهایلا در سریلانکا است؛

معبدی در آنو را پورا، پایتخت
پاستانی سلطنتی از پادشاهان
سریلانکا به همین نام.



شکوه علوم انسانی و مطالعات
رتال جامع علوم انسانی

زیارت قلعه میهنسال در
سریلانکا به روایتی میهنسال، پسر
آشوکا امپراتور هندوستان در
حدود سال ۲۵۰ قبل از میلاد،
زمانی که برای تبلیغ آیین بودا به
سریلانکا باره آمد، بود. در این
کوره به روشنی طبیعت نایل شد



مجسمه پادشاهان ساسانی
در کاخ ساسانی، تهرانب
نقش‌سنگ پادشاهان ساسانی
در کاخ ساسانی، تهرانب

آلتاوا و بد. گورو که سفیر سریلانکا در فرانسه و نماینده‌هایی آن در پرتغال و وی عضو هیئت اجرایی پرتغال و کارشناس فرهنگهای آسیایی و بودایی است و در همین زمینه کتابهای متعددی تألیف کرده است. از جمله مهاراسه ترجمه جدید با حاشیه نویسی و پیشگفتار.

* معقول بازده تا نیست، حساسه دورانامپراتوریه که از دوره آیین بودا به سریلانکا و تحکیم آن به عنوان مذهب رسمی سخن می‌گوید:

* فصول بیست‌ودو تا سی‌ودو، حساسه دونانگامانی - آریابه دربارهٔ فرمان ملی قرن دوم پیش از میلاد است که با آزاد کردن مناطق زیر سلطهٔ پیگانه به این کشور و وحدت بخشیدن و مسرات دیرپایی از پادمانهای پانگوره در ستایش عظمت آیین بودا از خود به یادگار گذاشت.

مهانامهٔ مورخ به جای آنکه به هر یک از این موضوعها به صورت جداگانه پردازد آنها را بر حسب تقدم و تأخر تاریخی آورده است. از این رو مهاراسه به صورت گاهشماری درآمد. قالبینتی و سیک به هم پیوستن فصول (یعنی فصول بیست‌ویکم و سی‌وسوم تا سی‌هفتم) و به ویژه پنج فصل اخیر الگویی اصلی برای ادامهٔ مهاراسه فراهم آورده است.

بیست‌وپنج قرن تاریخ مکتوب

علاوه بر طرحی که به بالا ذکر کردیم از قرن سیزدهم تا کنون هفت‌بار تلاشهایی صورت گرفته است تا وقایع بعدی در آیین تاریخ گنجانده شود. در نتیجه، سریلانکا از این امتیاز برخوردار است که نباید تنها کشور جهان باشد که بیست‌وپنج قرن تاریخ مکتوب و بدون انقطاع دارد. این امتیاز از این لحاظ استثنایی است که شواهد باستان‌شناسی، کتیبه‌ها، سکه‌شناسی و منابع ادبی پیگانه نیز سندی آن را تأیید می‌کنند.

مهاراسه هر چند که به خاطر مساحین ادیبی و سندیست تاریخی‌اش شهرت دارد، با این وصف اساساً از خصوصیتی مذهبی برخوردار است. ذکر اعمال خیر و شر پادشاهان و سایر شخصیت‌های تاریخی به نظر می‌رسد منحصرأً از هدف نتیجه‌گیری اخلاقی بوده است. بیشتر فصول آن یا با بند و انگیزه یا با ذکر آیین بودا اصل آیین بودا پایان می‌یابند.

اصولی که بر آنها تأکید می‌شود به تأییداری، عمل سوهمنندو ناموسمدت، هل‌کنند از دنیاه و بهره‌مندی مناسب از قدرت و ثروت مربوط است. مهانامه، که به نقش بلندآوازه خود و فسادآور است. در ارزیابی نامهٔ اعمال و خدمات فرمانروایان گوناگون، از جمله غاصبان و مهاجمان، بی‌طرفی و عینیت قابل ستایشی از خود نشان می‌دهد.

مهاراسه، با وجود جلی بودن هدفی که در پیش روی خود قرار داده و در ثبت تاریخ برحاطهٔ مردمان متنوع همین جدیت را نشان داده است، نقل ماجراهایی که «ملاقات آسیایی» در آنها نقش دارد و به طیف گسترده‌ای از سخنهای مربوط می‌شود. آن به وفور به چشم می‌خورد. این ماجراها عناصر شریف و حقیر، خرمند و ناتوان، متعالی و مستذل را که از خصوصیات رفتار انسانی در همهٔ ادوار و همهٔ جوامع است منعکس می‌کنند. این امر که مهاراسه با اشخاص واقعی سروکار دارد و نه بسا سخنهای ساختگی و فاقد شخصیت مشخص، به دیدمان از فوئتا و ضلعهای بشری عمق بیشتری می‌بخشد.

بازسازی گذشتهٔ هندی

مهاراسه در ۱۸۲۶ مورد توجه محافل آذکامیک جهان قرار گرفت؛ در این سال اوزن پورتوفه، محقق آیین بودا و زبان پالی،

آن را به فرانسه ترجمه کرد. ولی ترجمهٔ وی انتشار نیافت؛ زیرا جورج تروتر، از مأموران انگلیسی مقیم سریلانکا، قصد داشت متن پالی آن را همراه با ترجمهٔ انگلیسی آن منتشر کند. مهاراسه در بازسازی تاریخ باستانی هندوستان ارزش بسیار داشت.

در دههٔ ۱۸۲۰، جیمز پرنسپ، هندی‌شناس، شامبولیون کتیبه‌های هندی، رمز خط باستانی براهمی را کشف کرد و موفق شد فرمانها و کتیبه‌های ستونی یک شخصیت تاریخی مهم را که در کتیبه‌ها از او به نام دونانیاپه‌پاداسی به یاد شده بود، بخواند. نه در سابقهٔ ادبی و نه در روایات تاریخی هندوستان از فرمانروایی به این نام نشانی دیده نمی‌شود. تروتر که سی‌هفتاد سینه‌نهایی سریلانکا دید تاریخی پیشرفت‌های داشته‌اند اعتقاد داشت که آثار ادبی کهن آنان می‌تواند به کتیبه‌شناسان و باستان‌شناسان کمک کند. همان‌طور که تصویری کرد، مهاراسه تسردیدی به‌جای نگذاشت که دونانیاپه‌پاداسی همان آنتوکا، سومسین امپراتور سلطهٔ موریان، است که این حماسه به عنوان مهم‌ترین حامی آیین بودا به تفصیل از او سخن گفته است.

اطلاعاتی که مهاراسه ارائه می‌داد، علاوه بر تأیید مطالسی که پرنسپ در کتیبه‌ها خوانده بود، در تحقیقات و کشفیات پیشگامان باستان‌شناسی در هندوستان اهمیت اساسی یافت. الکساندر کاتینگم، باستان‌شناس انگلیسی، تنها پسر اسام این حماسهٔ سریلانکایی، توانست نامها را شناسایی دهد و اهمیت تعدادی از اشخاص مقدسی را که آنتوکا آثار و بقایایشان را به صورت زیارتگاههایی در سانچی و سوناری (واقع در هند مرکزی) حفظ کرده بود، تعیین کند. مهاراسه و فرزند خلفش دیپاواسه حاوی اطلاعات دقیقی دربارهٔ مملکتی است که آنتوکا برای تبلیغ آیین بودا به سریلانکا و جاهای دیگر فرستاده بود. آلبرت گروونوله، مورخ هنری آلمانی، در توضیح وقایعی که معماری دروازه‌های سانچی نمایانگر آنها بود به این گزارش مهاراسه استناد کرد که چگونه آنتوکا نهالی از درخت بردهی را، که بودا در سایهٔ آن متولد شده بود، به سریلانکا فرستاد.

و سرانجام باید گفت که مهاراسه بسرای مورخان و باستان‌شناسان سریلانکا اهمیتی اساسی دارد، زیرا از لحاظ تسلسل وقایع تاریخی جاری می‌باشد. برایشان فراهم آورده است که کشفیات خود را با آن تطبیق دهند. بسیاری از پادمانها و ذخایر

تنها با استناد به اطلاعات ثبت شده در این حماسهٔ شناسایی شده

ایشان سردرگمیهای ناشی از اطلاعات نامدرست و اقوامی مردم، حتی قبل از استناد به شواهد کتیبه‌ها، به کمک مهاراسه حل شده بود. تاریخگذاری و تفسیر حدود ۳۰۰۰ کتیبه‌ای که تاکنون بر روی شده‌اند بدون استناد به آن بسیار دشوار می‌بود. کوششهای محافل بین‌المللی برای سرپرده‌داشتن از راز و رمزهای مهاراسه، از یک سو، و برنامهٔ سریلانکاییها برای آنکه آن را تا تاریخ امروز تکمیل کنند، تأثیر ماندگار این حماسه را در طی قرون متداولی نشان می‌دهد. انسان از خود می‌سرسد گاتیان باستانی که استاد دپاری را ریت می‌کردند و راهبانی که آنها را به صورت روایات تاریخی درمی‌آوردند. آیا هیچ تصویری در سر داشتند که با کار خود چه قدر و اهمیتی برای وطن خود به ارمغان می‌آوردند.